



مسائل ادبیات نوین ایران

ترجمه‌ی : ح : صدیق

بانو ح : بلوری
دکتر م : حسینیوف
بانو ح : حمیدوا
پروفسور و سلطانزاده
پروفسور م : علیزاده
بانو ز : شفیقوا

در « جای پا » قهرمان او درمی یابد که تاکنون زندگی عبث و
بیهوده‌بی داشته است. ولی، دیگر به معنای واقعی زندگی پی برده و
زندگانی خود را در راه سعادت انسان‌ها و مبارزه به‌خاطر خوشبختی آینده
فدا می‌سازد و به پیروزی خود باور می‌دارد:

ای عشق ترازه، چشم امیدم به سوی تست،
این دشت سرد غمزده را آفتاب کن.
این برف از من است، تو جسمم و مرا بسوز،
این جای پا ازوست، تو او را خراب کن. ۱۵

در «رقاصه» و «فریاد روسپی» گرچه از مضامین بیگانه و غیرعادی
در ادبیات مشرق زمین سود جسته، ولی به وسیله‌ی این شعرها، خواسته
است کشفات و عیب‌های زمانه‌ی خود را افشا کند.

تغزل معاشقه آمیز سیمین، گاهی رنگ اجتماعی نیز به خود می‌گیرد.
مثلاً در شعری از معتاد شدن زنی به شراب سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که
این اعتیاد به‌خاطر لذت سبکی که ممکن است ببرد نیست، بلکه برای آن
است که مشقت‌های حیات را لحظه‌بی هم که شده فراموش کند. به چنین
زندگی پست و بی‌معنای او دل می‌سوزاند و تلاش می‌کند او را از این تنزل
معنوی رهایی بخشد.

یکی دیگر از شاعرهایی که از خواست‌ها و مبارزات مردم ایران سخن
گفته، ژاله‌خانم است. مضامین اجتماعی سرشاری در شعرهای این بانو هست
که از آن میان می‌توان اشعار «وطن»، «آزادی»، «به‌مادرم»، «مادران صلح
می‌خواهند» و جز این‌ها را نشان داد که از اشعار مترقی دفتر شعر معاصر فارسی
هستند.

ژاله آزادی حقیقی زنان را در لغو امتیازات نابرابر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌بیند. در شعرهای «به یاد مادرم»، «دوروتی»، «سعادت زن» و «ماه و زن» زنان را به مبارزه برای کسب آزادی فرا می‌خواند. به دختران ایرانی فردای خوشبخت را نوید می‌دهد و با روحی والا آرزوهای آنان را ترنم می‌کند:

ما جبهه‌ی پایدار صلحیم ،
سازیم جهان ز صلح آباد .
کوشیم که کودکان دنیا ،
خوشبخت شوند و شاد و آزاد.^{۱۶}

در شعری، از «کتانه» دختر کرد که میهن خود را بسان مادرش دوست می‌داشت، سخن به میان می‌آورد؛ و او را تا حد ستایش تعریف می‌کند. در شعر «اضطراب مادر» زندگی تلخ و فاجعه‌آمیز زنان را تصویر می‌کند. تمثال مادری که در این شعر به خاطر لقمه‌نانی کودک خود را قربانی می‌دهد، با مهارت تصویر شده است.

ژاله خانم، موضوع زن را محدود به ایران نمی‌کند، و بلکه از همه‌ی زنان دنیا سخن به میان می‌آورد.

اشک خونین میلیون‌ها مادر را با مهارت و استادی تصویر می‌کند و احساس خواننده را برمی‌انگیزد. در شعر «دوروتی» از یک مادر امریکایی سخن می‌گوید که به خاطر سیر کردن شکم فرزندان خود، حاضر به فروش دو دیده‌ی خویش است.

دوروتی گرسنه و بدبخت روزی، در روزنامه آگهی خرید چشم انسان زنده را می‌خواند. می‌اندیشد که چشمان خود را بفروشد و کودکانش را

از گرسنگی و مرگ رهایی بخشد :

آه آزاد شدم از غم و رنج

دارم امروز دو گنج ،

دو دریاچه ، دو چشم ،

بفروشم بدهه هزار دلار . ۱۷

ما در این گفتار، تنها به نمونه‌هایی از شعر فارسی در موضوع آزادی زن اشاره کردیم . این نمونه‌ها نشان می‌دهد که موضوع زن در ادبیات فارسی رفته رفته تکامل حاصل می‌کند و به خلاف سده‌ی گذشته که شاعران به‌طور ساده فقط از زندگی تلخ‌بار زنان سخن می‌داشتند، اکنون محرومیت و بی‌حقوقی زنان از نظر اجتماعی ریشه‌یابی می‌شود .